■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۵۰۸ ■ شنبه ■ ۱۵ آذر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۵ | اذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۱ | اذان صبح فردا ۵/۳۲ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۲

سخن روز

امام صادق (ع):
هیچ زندگی گواراتر از اخلاق و رفتار پسندیده نیست.

علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۹

تله‌تئاتر یک راه و اتفاق همیشه خوب است

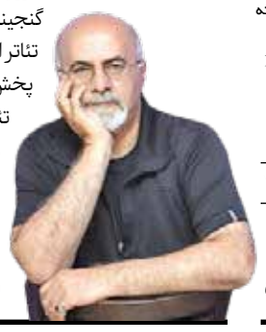

بهروز غریب‌پور: شبکه‌های تلویزیونی مختلف دنیا بلافاصله پس از پاندمی کرونا تله‌تئاترهایشان را پخش کردند. گنجینه‌های خودشان را به روی مخاطبان باز کردند و میلیون‌ها نفر این آثار را دیدند، هم در حوزه موسیقی و هم در حوزه تئاتر این اتفاق افتاد. من نمی‌دانم لجاجت سیمای جمهوری اسلامی با تئاتر چه زمانی به پایان می‌رسد، اما به هر حال پخش تله‌تئاتر در کشور ما نزدیک ۶۰ تا ۷۰ سال سابقه دارد. بنابراین پخش تله‌تئاتر قطعاً از نظر اقتصادی به خانواده تئاتر کمک می‌کند و برای مخاطبینی که عادت داشتند ماهی یک دفعه یک تئاتر ببینند هم اتفاق خوبی خواهد بود؛ راه‌ها مسدود نیست بلکه مدیران در انسداد این راه‌ها بسیار مؤثرند. اینکه نفع‌شان چیست من نمی‌دانم. اعتقاد من این است که تله‌تئاتر هم در دوران کرونا و هم پیش و پس از آن یک راه حل خوب بوده و مطمئناً راهگشا خواهد بود. من تصور می‌کنم که حرف‌های ما شنیده نمی‌شود و اگر شنیده هم شود با پوزخند از این حرف‌ها عبور می‌کنند. اصلاً اینجا قدرت و نظر کارشناسی کارکردی ندارد.

بخشی از صحبت‌های این کارگردان تئاتر در گفت و گو با هنرآنلاین

من از خودم می‌پرسم چرا حقیقت باید ساده باشد. تجربه من کاملاً خلاف این را به من یاد داده است، حقیقت تقریباً هیچ وقت ساده نیست و اگر چیزی بیش از حد واضح و آشکار به نظر می‌رسد، اگر عملی به ظاهر از منطقِ ساده‌ای پیروی می‌کند، معمولاً انگیزه‌های پیچیده‌ای پشت سر آن هست.

تونل
ارنستو ساباتو
مصطفی مفیدی

نـــگاره

پریسا نورالهی

محدودیت فکر کردن

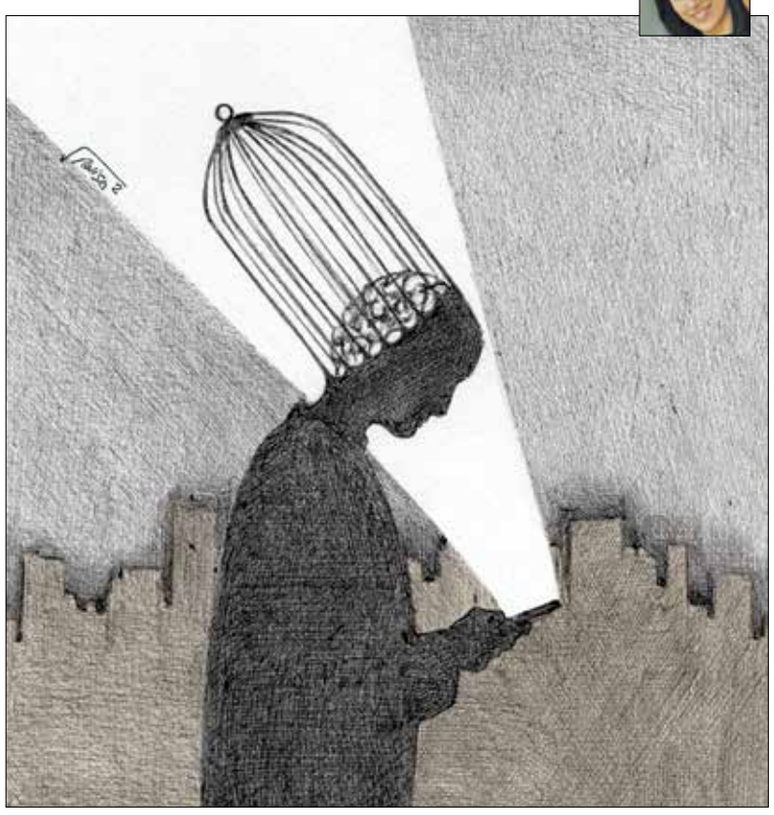

درباره اظهارات جدید علی فروغی درباره عادل فردسی‌پور

تولیدکنندگان به برنامه اعتبار می‌بخشند نه مدیران

یادداشت

سیدرضا صانعی
منتقد سینما و تلویزیون

علی فروغی، مدیر پرحاشیه شبکه سه در یک اظهارنظر جدید که به شکل ویدئویی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بار دیگر درباره برکناری عادل فردوسی‌پور حرف زده. با استدلال‌های سست و بی‌فروغ و ناعادلانه‌ای که نمی‌توان بر مبنای آن حذف عادل را هضم کرد! می‌گوید «از تخصص و محبوبیت فردوسی‌پور آگاه بودیم اما شما اگر بهترین دروازه‌بان را ببینید که در یک خط دیگر وارد شده است و فعالیت می‌کند، یک نفر دیگر را دروازه‌بان می‌گذارید!» این در حالی است که اگر همین استدلال را مبنا قرار دهیم، ایشان هیچ گاه نباید مدیر شبکه سه می‌شد یا دست‌کم مدیریتش ادامه پیدا می‌کرد! مسأله این است که آنچه را در صحبت‌های فروغی درباره برکناری عادل وجود دارد اگر بخواهیم در یک کلام خلاصه کنیم این است که او خودی نبود! از لحن و منطق فروغی می‌توان فهمید که حذف عادل از شبکه سه کاملاً یک امر شخصی و سلیقه‌ای بوده که خارج از مناسبات اداری-رسانه‌ای صورت گرفته است. فروغی می‌گوید ایشان از مدارش خارج شد اما توضیح نمی‌دهد که متر و معیار این مدار چیست و کیست؟ این جمله دقیقاً تأکید بر این معناست که فردوسی‌پور چون بر مدار ما نبود نمی‌شد با او مدارا کرد و غیرخودی محسوب می‌شد. تمام این بر مدار نبودن هم در نگاه او به رویکردهای نقادانه‌ای است که فردوسی‌پور در برنامه «۹۰» داشته و به مذاق مدیر شبکه خوش نیامده! فردوسی‌پور با تکیه بر تجربیات ژورنالیستی خود، موفق شد همان فضای منتقدانه را به برنامه نود تزریق کند و آن را از یک برنامه صرفاً گزارشی- نمایشی دربیاورد. جالب است که بدانید خرید چند روزنامه ورزشی، چند هفته نامه و ماهنامه خارجی فوتبال و مجلات معتبر «ورلد ساکر»، «چمپیونز» و «فورفورتر» از جمله عادت همیشگی عادل فردوسی‌پور بود؛ ضمن اینکه تسلط او به زبان انگلیسی و استفاده دائم از منابع اصلی اطلاعات در اینترنت و وقت گذاشتن و مطالعه آنها موجب شده تا او نه فقط به عنوان یک مجری که در حد یک کارشناس و خبرنگار فوتبال نسبت به کار خود شناخت و تبحر داشته باشد و از مجموع این توانمندی‌ها در جهت جذابیت بیشتر برنامه «۹۰» استفاده کند. آنهایی که دستی بر آتش برنامه‌سازی تلویزیونی دارند، می‌دانند که تبدیل شدن یک برنامه به یک برند معتبر تلویزیونی کار ساده‌ای نیست و در صدا و سیمای ما به یک استثنا و معجزه شبیه است؛ آن هم برنامه‌ای که نزدیک به دو دهه در اوج باشد و دچار ریزش و افت مخاطب نشود.

بدیهی است حذف عادل فردوسی‌پور حتی اگر با او اختلاف سلیقه هم داشته باشد، در عین اوج کج سلیقگی یک خودزنی بزرگ برای شبکه سوم سیما بود که حالا با استدلال‌های بنی اسرائیلی مدیر شبکه به عذر بدتر از گناه مزین شده است! واقعیت این است که آن که به یک شبکه اعتبار می‌بخشد، تولیدکنندگان یک برنامه هستند نه مدیران آن، که غالباً پشت درهای بسته تصمیم‌گیری می‌کنند و در بسیاری از موارد، آنتن و زبان رسانه‌ای را نمی‌شناسند. مدیر شبکه سه از یک سو در مصاحبه‌ها ژست دموکراتیک گرفته و از کمرنگ شدن خط قرمزها و ایجاد فضای نقد و انتقاد در این شبکه حرف می‌زند اما از سوی دیگر رویکرد انتقادی فردوسی‌پور را خودسرانه دانسته و تاب نمی‌آورد! آنچه از زبان علی فروغی شنیدیم، نه استدلال که روایتی از لال کردن یک صدای رسا بود!

#فردوسی_پور

هشتگ

حرف‌های مدیر شبکه ۳ درباره دلایل کنار گذاشتن عادل فردوسی‌پور بازتاب زیادی داشت. کاربران زیادی فیلم صحبت‌های او را بازنشر کردند و درباره‌اش نوشتند. اینکه علی فروغی گفت فردوسی‌پور از مدار خارج شده بود، مهمترین نکته‌ای بود که مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت: «فردوسی‌پور داشت از مدار خارج می‌شد، بچه‌ها از دسترس خارجش کردند»، «خوشمزه ماجرا اینه که رئیس یکی از مهمترین شبکه‌های تلویزیونی میگه اونا رسانه دارن ولی ما نداریم و مظلوم‌نمایی می‌کنه. نه داداش شما حرفات خریدار نداره وگرنه بحث رسانه نیست»، «توجه به یک نکته ضروری است: همه رسانه‌ها در دنیا صاحب مدار هستند و به هیچ عنوان خروج از مدار را ولو توسط ستارگانشان برنمی‌تابند. آنچه حرف‌های فروغی را بسیار تأسف‌بار می‌کند، شناختی است که از مدارهای فروغی و همفکرانشان داریم. ضمناً دریافت حقوق و طلب‌های معوقه و ترفیع از حقوق اولیه هرکارمندی است»، «فردوسی‌پور نماد یک انسان شریف در یک سیستم معیوب است.»، «در واقع حذفش کردن چون تو مدار اونا نبود، تو مدار مردم بود»، «فروغی میگه: «بلدن، رسانه دارن، مظلوم‌نمایی می‌کنن. رئیس پربیننده‌ترین شبکه سابق بزرگ‌ترین رسانه کشور اینو میگه. هر چیز بیشتری بگم، خرابش کردم.»، «۲۶۱۹ میلیارد تومان رو دادید به صداوسیما که بیاد به مردم بگه هر کی از مدار من خارج بشه، تنبیه می‌شه؟»، «خوشا عادل فردوسی‌پور که از «مدار» انحصار، سانسور، پروپاگاندا و خودخواهی خارج شد.»، «آقای فروغی درست می‌گوید، فردوسی‌پور در مدار مردم بود نه آقایان شبکه سه»، «فروغی: در همین یک سال اخیر ما نزدیک به یک میلیارد از مطالبات فردوسی‌پور را دادیم، زمان ترفیع شغلی‌اش بود به امضای من آن را دادیم. پ.ن: بمیرم برا فرزند رسانه که کاری کردن حتی با گرفتن یک میلیارد از مطالبات و ترفیع شغلی بازم هنوز مظلومه و جوابی برا کسانی که قصد مهاجرت دارن نداره»، «اینکه فروغی میگه «فردوسی‌پور تخصص داشت و محبوب بود اما از مدار خارج شد»، معنی واضح‌ترش اینه که سازمان صداوسیما حتی در ظاهر هم دیگه اصراری نداره دم از تخصص‌گرایی و مخاطب‌محوری بزنه؛ یعنی ما همینیم که هستیم، تازه بابتش ۲۶۱۹ میلیارد تومان هم بودجه می‌گیریم...»، «این مداری که ترسیم کرده‌اند چیز عجیبی است. نه فقط فردوسی‌پور که تقریباً شامل همه آنهایی که برنامه فردوسی‌پور را می‌دیدند هم می‌شود...»، «کسی اگر ساز و کار صدا و سیما را فهمید به ما هم بگه»، «عادل فردوسی‌پور به عنوان کارمند رسمی چگونه مطالبات یک میلیاردی داشته است؟ کارمندان رسمی دیگر ارگان‌ها هم چنین دریافتی‌هایی دارند؟ یا کارمندان رسمی صدا و سیما از رانت برنامه‌سازی برخوردار هستند؟»، «ممنون که تخصص عادل فردوسی‌پور را انکار نمی‌کنید آقای فروغی! ما ولی حق داریم درایت شما را انکار کنیم که حتی هنوز هم نمی‌توانید یک توجیه به ظاهر منطقی برای کارتان بتراشید. مدار شما را نمی‌دانم اما رسانه حرفه‌ای بر مدار مخاطب می‌چرخد، همان چیزی که در ماجرای نود به کفشتان گرفتید.»w

شهروند مجازی
یگانه خدامی

واکسن کی می‌رسد؟

ماجرا

هرروز خبرهای جدیدی از واکسن کرونا منتشر می‌شود و کسانی که از محدودیت‌ها و رعایت پروتکل‌ها خسته شده‌اند با هیجان این اخبار را دنبال می‌کنند و درباره‌اش در شبکه‌های اجتماعی می‌نویسند. اینکه عراق اعلام کرد واکسن کرونا را رایگان در اختیار مردم این کشور می‌گذارد دیروز مورد توجه قرار گرفت: «به جز عربستان سعودی و امارات متحده عربی، عراق و پاکستان هم اعلام کردند که واکسن کرونا در این کشورها به‌طور رایگان به مردم تزریق خواهد شد.»، «امیدوارم همه‌مون واسه ولنتاین امسال به جای خرس قرمز، واکسن کرونا کادو بگیریم.»، «خدمتتون عارضم که واکسن کرونا در عراق رایگان خواهد بود. اروپا نه هاااا، عراق، همین همسایه بغل دستی»، «فایزر به دلیل ناتوانی در ایجاد شبکه توزیع، به‌جای ۱۰۰ میلیون دوز، ۵۰ میلیون دوز از واکسن کرونا را تا پایان دسامبر توزیع خواهد کرد. این یعنی توزیع واکسن بین کشورها ماه‌ها به‌طول خواهد انجامید و تا بازگشت به شرایط نرمال راه درازی در پیش است.»، «یه جور میگن واکسن کرونا اردیبهشت یا خرداد میاد که انگار اردیبهشت فرداست، تا اون موقع چند نفر رو از دست دادیم؟»، «در بودجه ۱۴۰۰ ردیفی برای هزینه تأمین واکسن کرونا در نظر گرفته شده؟»، «هفته آینده واکسیناسیون عمومی در انگلستان علیه کرونا آغاز می‌شود، در ایران هم از هفته آینده واکسن آنفلوانزا در مقیاسی بسیار کوچک توزیع خواهد شد؛ در حالی که بسیاری از بیماران خاص و افراد در معرض خطر تاکنون واکسن آنفلوانزا را دریافت نکرده‌اند.»، «هشدار اینترپل در ارتباط با سوءاستفاده شبکه‌های خلافکار از احتیاج مردم به واکسن کرونا: چین، روسیه، ترکیه، انگلیس، ایران. احتمال دارد شبکه‌های خلافکار از واکسن کرونا و احتیاج مبرم مردم جهان به آن سوءاستفاده کرده و با ارائه واکسن‌های تقلبی به بازار جان هزاران انسان را به خطر بیندازند!»، «در حالی که واکسن «آنفلوانزا» به قیمت ۱۹۰ هزار تومان در داروخانه‌های ایران توزیع شد، برهم صالح، رئیس‌جمهوری عراق تأکید کرد واکسن «کرونا» به صورت رایگان در اختیار مردم کشورش قرار می‌گیرد. سه‌نقطه‌های بی‌شمار...»، «ایران جزو کشورهایی بود که در طرح مبارزه با کرونا با بهداشت جهانی همکاری داشته. از امتیازات این طرح در اولویت قرار دادن واکسن به این کشورهاست. فارغ از سیاست واکسن کرونا باید به ایران داده بشه.»، «واکسن اولش که میاد گرونه. بذارید واکسن ایکس پلاس بیاد، قیمت واکسن اولی میاد پایین»، «کلینتون، جورج بوش و اوباما داوطلب شدند واکسن کرونا جلو دوربین زنده روی آنها تست شود. پوتین مرحله اول را روی دخترش آزمایش کرد، انگلیس برای هر تست ۶۰۰۰ پوند به داوطلب‌ها می‌داد و تو کنیا هم آزمایش کرد...»، «دولت پاکستان که هفته گذشته بودجه ۱۵۰ میلیون دلاری برای سفارش واکسن کرونا را تصویب کرد، تصمیم به ارائه رایگان این واکسن برای شهروندانش تا ۴ ماه آینده گرفت. فردا پس‌فرداست که همه واکسن کروناشون رو هم می‌زنن، ولی ما همچنان دنبال یه گیره هستیم که ماسکمون گوشمون رو اذیت نکنه.»

درمعرض کتاب باشیم

حوالی کتاب

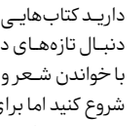

هادی حسینی‌نژاد
خبرنگار

ما خبرنگارها یک قانون نانوشته در کارمان داریم: «باید در معرض خبر بود». خبرنگاری که مدام پشت میز تحریریه نشسته، سهمی از اخبار مهم و ارزشمند ندارد. باید به دل اتفاقات و جریان‌های روز زد و دقیقاً آنجایی که باید، تور خود را گسترانید. دنیای کتاب و کتابخوانی هم از این قاعده مستثنی نیست. می‌خواهید کتابخوان باشید؟ -باید به دل دنیای کتاب بزنید! بگذارید کمی موضوع را بشکافیم تا در حد حرف‌های کلی و شعارگونه که معمولاً ما را به‌جایی نمی‌رساند، باقی نمانیم. قبل از هرچیز، باید به خودمان رجوع کنیم؛ به علاقه‌مندی‌ها و دغدغه‌های شخصی‌مان. مثلاً کار را با این سؤال آغاز کنید: «اگر قرار باشد کتابی بخوانم، آن کتاب در چه ژانر و چه موضوعی است؟» به تاریخ علاقه دارید؟ دوست دارید کتاب‌هایی بخوانید که شما را در روابط خانوادگی یا کاری کمک کند؟ دنبال تازه‌های دنیای تکنولوژی و علم اید؟ یا اینکه دلتان می‌خواهد وقتتان را با خواندن شعر و داستان بگذرانید؟ با همین سطح از خودشناسی، می‌توانید شروع کنید اما برای ادامه مسیر، حتماً به کمک و مشاوره نیاز است.

هیچ هدفی، بدون تلاش به‌دست نمی‌آید. این را یادتان باشد! پس دیگر وقتش رسیده که در یک زمان مناسب، شال و کلاه کنید و به اولین و دردسترس‌ترین کتاب‌فروشی محله‌تان بروید. امروزه؛ با توجه به گسترش جهان الکترونیک و فضای مجازی، راه‌های دیگری هم برای کتابخوان شدن وجود دارد اما باور کنید، رفتن به کتاب‌فروشی و در معرض کتاب قرار گرفتن، بزرگترین و مؤثرترین کمکی است که می‌توانید به خودتان بکنید. وارد که شدید، ناخواسته شمیم خوشگواری را حس می‌کنید. عطر کتاب است... عطری که حتماً خوب می‌شناسیدش. کمی وقت بگذارید و در میان قفسه‌های کتاب، قدم بزنید. می‌توانید حین راه‌رفتن، با سرانگشت کتاب‌ها را لمس کنید. از روی نوشته بالای قفسه‌ها، کتاب‌هایی که با میل اولیه‌تان مطابقت دارد، پیدا می‌کنید. مسیر را درست آمده‌اید. آنجا، دقیقاً جایی است که باید باشید. با نوشته‌های روی عطف کتاب‌ها شروع کنید. بدون نگرانی، بعضی را از قفسه بیرون بکشید و به طرح جلد آن توجه کنید؛ نام نویسنده، نام انتشارات... اگر کتاب را برگرداندید، قریب‌به‌یقین، با یکی دو پاراگراف کوتاه مواجه می‌شوید که خواندنش شما را با کم و کیف کتاب، بیشتر آشنا می‌کند. شاید متوجه نباشید؛ اما شما در این مرحله، رسماً مطالعه را شروع کرده‌اید و این جای تبریک دارد.

آخرین مرحله اما مهم‌ترین مرحله در انتخاب و خرید کتاب است. اگر کمی از قفسه مقابلتان فاصله بگیرید و به اطراف، نظری بیندازید، حتماً شخصی را می‌بینید که کمی با فاصله از شما (آنقدر که خلوت فرهنگی شما را برهم نزند) شما را زیر نظر دارد. همین یک نظر کافی است که با لبخند به سمت شما بیاید و با یک جمله شبیه این، یخ شما را آب کند: «دنبال چه‌جور کتابی هستید؟». مقابل شما، یک کارشناس بی‌دریغ ایستاده که تنها با شنیدن چند جمله، بهترین گزینه‌ها را به شما معرفی می‌کند. اصلاً خجالت نکشید. می‌توانید بدون رودربایستی بگویید که در این مسیر، تازه‌کارید. مطمئن باشید که او، مناسب‌ترین کتاب را به شما پیشنهاد می‌کند، کتابی که از هر منظر، مناسب حال و علاقه شماست. به خانه که برگشتید؛ کافی است کار را با یک فنجان چای یا قهوه و پیدا کردن یک گوشه دنج در خانه شروع کنید. حالا دیگر تغییر، اتفاق افتاده‌است.

روایتی داستانی از یک همبستگی تلخ

پیشنهاد

اگر «مغازه خودکشی»، کتابی که نه‌فقط نسخه صوتی‌اش منتشر شده بلکه حتی به دنیای انیمیشن راه یافته را خوانده‌اید، ممکن است با اندک جست‌وجویی در فضای مجازی درباره نویسنده‌اش هم نکاتی بدانید؛ ژان تولی، نویسنده، فیلمنامه‌نویس و کاریکاتوریستی که موفق به کسب جوایز جهانی متعددی هم شده است. «آدم‌خواران» اثر دیگری از این رمان‌نویس و فیلمساز فرانسوی است، روایتی از فاجعه‌ای تاریخی که قادر است دیدمان را به جامعه تغییر بدهد.

اما تولی در این کتاب چه مضمونی را هدف قرار داده؟ او به سراغ بحث اتحاد رفته، حتماً فکر می‌کنید همبستگی ما آدم‌ها همواره کارکردی مثبت برایمان به دنبال دارد؛ آدم‌خواران نشان می‌دهد همیشه هم این‌طور نیست.

گاهی این باهم بودن‌ها در حکم شمشیری دولبه است و نتایج خوبی را رقم نمی‌زند. داستان این رمان پیرامون واقعه‌ای تاریخی در سال ۱۸۷۰ در فرانسه شکل گرفته، دوره‌ای که حکومت در دست ناپلئون سوم بوده است. در این برهه تاریخی که فرانسه با بحرانی جدی روبه‌رو می‌شود، همسایه شرقی‌اش اوضاع و احوال خوبی دارد. قدرتمندی پروس، رهبرش را برای گسترش سرزمینش تا خاک فرانسه وسوسه می‌کند و همین هم باعث شکل‌گیری جنگ میان این دو کشور می‌شود.

در این جنگ نابرابر، فرانسه که توانی برای مقابله نداشت، شکست خورد و امپراطوری آلمان به وجود آمد. ماجرای این رمان مربوط به دهکده‌ای در جنوب غربی فرانسه است؛ آنجا که مردم دهکده تحت تأثیر جنگ، دست به کاری غیرانسانی می‌زنند. بیش از این درباره داستان رمان ژان تولی نمی‌گوییم تا خودتان به سراغ مطالعه‌اش بروید اما همین بس که بدانید نویسنده کتاب بعد از گذشت یک دهه به سراغ مردم این دهکده رفته و پای گفته‌های آنان و همچنین اسناد موجود می‌رود که شما نتیجه‌اش را با روایتی داستانی می‌خوانید. او در این مسیر آنقدر جسارت به خرج می‌دهد که حتی تهدید به مرگ هم او را از ادامه مطالعاتش بازنمی‌دارد.

■ **آدم خواران**
■ **نویسنده: ژان تولی**
■ **مترجم: احسان کرم‌ویسی**
■ **نشر چشمه**

به نام تاریخ

■ ۱۵ آذر
■ **تولدها**

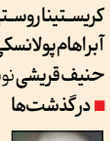

والت دیزنی: چهره سرشناس انیمیشن دنیا سال ۱۹۰۱ در چنین روزی به دنیا آمد. والت دیزنی از کودکی به طراحی علاقه داشت و پس از مدت‌ها طراحی و نقاشی به سمت کاریکاتور و بعد انیمیشن رفت؛ با تلاش‌هایی که در زمینه تبلیغات کرده بود، ابتدا به چاپ بروشورهای تبلیغاتی مشغول شد و پس از اینکه در یک روزنامه آگهی استخدام انیماتور را دید برای کار درخواست داد و نقاشی‌هایش باعث شد انتخاب شود. والت دیزنی در سال ۱۹۲۲ شرکتی به نام «لفوگرام» تأسیس کرد و فیلم‌های کوتاه انیمیشنی ساخت که مورد توجه هم قرار گرفتند، اما فروش چندانی نداشتند و دیزنی را تا ورشکستگی پیش بردند؛ پس از چند تجربه به هالیوود رفت و در یک گاراژ کوچک استودیوی جدیدش را همراه برادرش برپا کرد. «آلیس در سرزمین عجایب» نخستین انیمیشن رسمی این استودیو بود و پس از آن کار دیزنی و استودیوی او مرتب پیشرفت کرد. خلق شخصیت‌های ماندگاری مانند «میکی ماوس»، «اسوالد»، «گوفی» و «دونالد داک» از نقاط قوت کار دیزنی بود و «سفید برفی و هفت کوتوله»، «پینوکیو»، «بامبی»، «پیتر پن»، «سیندرلا» و «زیبای خفته» از انیمیشن‌های مشهور والت دیزنی بودند و پارک بزرگی براساس شخصیت‌های انیمیشن‌هایش ساخت که به «دیزنی‌لند» معروف شد. والت دیزنی ۵۹ بار نامزد جایزه اسکار شد که ۲۲ بار این جایزه را به دست آورد. او سال ۱۹۶۶ درگذشت و اکنون بسیاری از فیلم‌های او و استودیوی دیزنی در کتابخانه کنگره امریکا و آرشیو ملی فیلم این کشور به عنوان آثاری با نشانه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی نگهداری می‌شوند.

● **زین‌الدین رهنما** مترجم، **سیمین آقارضی** نوازنده قانون، **محمدکاظم حسینی** شاعر، **حسن فرهنگ فرد** داستان‌نویس، **سعید صادقی** عکاس و مدیر فیلمبرداری، **رضا آفتابی** دوبلور، **فئودور تیوتجیف** شاعر روس، **کریستینا روستی** شاعر انگلیسی، **فریتس لانگ** کارگردان امریکایی، **آبراهام پولانسکی** کارگردان امریکایی، **لیتل ریچارد** آهنگساز امریکایی و **حنیف قریشی** نویسنده پاکستانی هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها**

ولفگانگ آمادئوس موتسارت: آهنگساز اتریشی و مطرح جهان سال ۱۷۹۱ در چنین روزی درگذشت. ولفگانگ آمادئوس موتسارت متولد ۱۷۵۶ بود و از ۵ سالگی آهنگ‌سازی کرد و اولین سمفونی‌اش را در ۷ سالگی نوشت و از ۱۲ سالگی به عنوان نوازنده ماهر پیانو، ویولن و ارگ شناخته شد. او در طول سال‌های فعالیتش کنسرت‌های بسیاری در سراسر جهان برگزار کرد و تصنیف‌های بسیاری ساخت که ماندگار شدند: ۶۰۰ قطعه موسیقی که شامل ۵۵ سمفونی، ۱۷ کنسرتو و موسیقی‌های مجلسی، اپرا، سونات و سرناد می‌شود از آثار ماندگار موتسارت هستند.

الکساندر دوما: نویسنده فرانسوی سال ۱۸۷۰ در چنین روزی درگذشت. الکساندر دوما متولد ۱۸۰۲ بود و به دلیل علاقه به مطالعه و نوشتن از جوانی شروع به نوشتن مقاله برای مجله‌ها و نمایشنامه برای تئاتر کرد. سال ۱۸۲۹ نمایشنامه‌ای که با نام «هنری سوم و دربارش» نوشت مورد توجه قرار گرفت و بعد با نمایشنامه «کریستین» شهرت بیشتری به دست آورد؛ پس از نوشتن چند نمایشنامه دیگر شروع به نوشتن رمان کرد و سال ۱۸۳۸ اولین رمان سریالی‌اش را با نام «کاپیتان پاول» نوشت و منتشر کرد. رمان ۸ جلدی «جنایات مجلل»، «استاد شمشیرزنی»، «لویی چهاردهم و عصرش»، «کنت مونت کریستو»، «جنگ زنان»، «لاله سیاه»، «سه تفنگدار»، «دودمان والوا» و «ماری آنتوانت» از دیگر رمان‌های معروف دوما است.

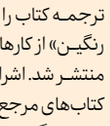

عباسقلی رنجبر: نوازنده دوتار و از نوازندگان سرشناس شمال خراسان سال ۱۳۸۷ درگذشت. عباسقلی رنجبر متولد سال ۱۳۱۰ بود و دوتار را از پدرش یاد گرفت. او که از دوستان نزدیک و همنوازان حاج قربان سلیمانی بود در دومین جشنواره موسیقی نواحی کرمان به عنوان پدیده جشنواره معرفی شد و پس از آن به عنوان چهره موسیقی نواحی در جشنواره‌ها و کنسرت‌های زیادی شرکت کرد. رنجبر از آخرین بازماندگان نسل بخشی‌های موسیقی شمال خراسان بود.

پرتو اشراق: مترجم سینما و ادبیات و پژوهشگر موسیقی سال ۱۳۹۱ در چنین روزی درگذشت. پرتو اشراق متولد ۱۳۲۴ بود و به دلیل علاقه به سینما در این رشته تحصیل کرد؛ پس از پایان تحصیلاتش ترجمه کتاب را آغاز کرد و ترجمه نمایشنامه‌های «معجزه»، «سپر رنگین» از کارهای اوست و البته رمان «بربادرفته» هم با ترجمه او منتشر شد. اشراق بعدها به دلیل علاقه به موسیقی شروع به ترجمه کتاب‌های مرجع درباره موسیقی کرد. «شکل فیلم»، «ژرفای افتخار»، «عصر بیگناهی»، «سرگذشت آهنگسازان بزرگ»، «سرگذشت پیانو»، «سرگذشت موسیقی جاز»، «ریشه‌های موسیقی»، «سرگذشت موسیقی پاپ» و «سرگذشت موسیقی راک» از کتاب‌هایی است که با ترجمه پرتو اشراق منتشر شده است.

● سالروز درگذشت **کلود مونه** نقاش فرانسوی، **مجتبی عبدالله‌نژاد** مترجم، **رجبعلی امیری فلاح** خواننده، **کارل هاینز اشتوکهاوزن** آهنگساز آلمانی و **غلامرضا بروسان** شاعر هم امروز است.

عکس نوشت

دیروز سالروز درگذشت علی حاتمی بود و به همین مناسبت فرزندش لیلا حاتمی عکسی دیده نشده از پدرش را به موزه سینما هدیه کرد. این عکس مربوط به سال ۵۶ و پشت صحنه فیلم «سوته‌دلان» است.